

خانواده آریان‌پور از نوابغ فرهنگ و هنر ایران هستند

خانواده بزرگ آریان‌پورنام آشنای اهالی فرهنگ و هنر هستند. استادان گرانقدرامیرحسین، عباس، منوچهر و امیراشرف آریان‌پور فرزندان ماشاءالله خان و نوه نایب حسین کاشانی هستند. پدربزرگ این خانواده، قبل از به سلطنت رسیدن رضا شاه یعنی اواخر دوران قاجار، طبق دستور دولت وقت، مسئولیت امنیت مناطق کاشان، یزد و اصفهان را برعهده داشت که من در کتاب سوم خود با عنوان «ایران در رهگذر زمان» با چاپ تصاویرمربوطه، به این موضوع تاریخی اشاره کرده‌ام. هریک ازبرادران آریان‌پورناخه این سرزمین‌اند و اهل نویسندگی و دارای مقام‌های علمی، فرهنگی، فلسفی و اجتماعی کم نظیر و در سطوح بسیار بالا هستند. اولین کتاب امیرحسین آریان‌پور«فرودیسیم» نام داشت که با اشاراتی به ادبیات و عرفان در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید. فرهنگ انگلیسی به فارسی و بالعکس هم تألیف دوبرادر دیگر آقابان عباس و منوچهر آریان‌پورکاشانی است که چاپ هفتم این کتاب درسال ۱۳۷۰ به تیراژ ۱۰ هزار نسخه رسید، حالا مقایسه کنید با تیراژ کتاب‌های فعلی که در خوشبینانه‌ترین حالت شاید ۱۰۰۰ نسخه آن به چاپ برسد. این صحبت‌ها بیانگر آن است که خانواده آریان‌پور در ادبیات، تاریخ و فلسفه حضور پررنگ و ارزشمندی داشته‌اند. اما امیر اشرف آریان‌پور که متأسفانه تنها دیدارمان یک ملاقات کوتاه بود و در این سال‌ها فرصتی دست نداد تا از حضورشان بهره بیشتری ببرم و باهم جای تأسف است هنرمندان و بخصوص هردو نفر ما که اهل کاشان هستیم کمتر سراغی از یکدیگر می‌گیریم ودراین فاصله‌های ایجاد شده دیگر تبادل افکار و اندیشه‌ای نیست و امیدوارم بعد از این، از فرصت‌های به‌دست آمده نهایت استفاده را داشته باشیم. آقای آریان‌پور در عرصه پژوهش، بویژه در حوزه موسیقی تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند، نگاهی که در گذشته بیشتر مورد توجه بود اما امروزه موسیقی ما در سراسیبنی سقوط قرار گرفته و به تاریخ موسیقی معاصر کمتر پرداخته شده است. موسیقی ایران در دو دهه ۳۰ و ۴۰ اوج شکوفایی موسیقی ایران و ادبیات ایران بود رشد بسیاری داشت و توانست خود را به دنیا معرفی کند اما ازسال ۵۰ به بعد که با موسیقی پاپ تلفیق شد به بیراهه افتاد و این اتفاق موجب شد اصالت خود را آرام آرام از دست بدهد.

تلاشی ستودنی در جهت ارتقای فرهنگ موسیقایی کشور

درحوزه موسیقی بویژه پژوهش، کسانی که به‌عنوان پژوهشگر، تاریخ‌نگار و آینده‌نگار انجام وظیفه کرده‌اند و نقش آفرینی داشته‌اند انکد هستند واماشان برکسی پوشیده نیست. در قرن معاصر روح‌الله خالقی از نخستین سرآمدان این حوزه است، نوشتن کتاب جلدی «سرگذشت موسیقی ایران» که البته در ادامه جلد سوم آن را زنده یاد دکتر ساسان سپینتا به همان منوال نوشت. شوریختانه در کشور ما، مبحث مهم پژوهش چندان مورد توجه نبوده بویژه موسیقی. پیش از آنکه مطبوعات جایگاه خود را در جامعه پیدا کند، تعداد بسیار معدود و محدودی وقایع نگار و تاریخ نگار حضور داشتند و مقاطع کوچک و اندکی از تاریخ برخی از وقایع را به رشته تحریر درآوردند که البته تعداد کم وقایع و تاریخ نگاری در موسیقی بسیار و چشمگیرتر است و همان‌طور که اشاره کردم روح‌الله خالقی شاگرد استاد وزیری نخستین کسی بود که به‌گونه‌ای دقیق‌تر و علمی‌تر از دیگران دراین زمینه گام نهاد و در همان دوره و حتی سال‌ها بعد از آن کتاب‌های دیگری هم نوشته شد که بیشتر به خاطره نگاری یا به این موضوعات از این دست پرداخته شده است اما دراین میان نقش دکتر امیر اشرف آریان‌پور را نباید دست‌کم گرفت، حضور پررنگ او در عرصه پژوهش و در زمینه فرهنگ و هنر ستودنی است. سال‌ها پیش کتاب پرچم و مملو از اطلاعات مفید و آموزشی درباره تأسیس رادیو و هنرمندانی که با این رسانه همکاری داشتند تألیف کرد که همچنان جذاب و خواندنی است. کتاب بعدی او که امیدوارم بزودی مجال انتشار پیدا کند، «از قمر تا ثمر» نام دارد، وقایع نگاری و تاریخ نگاری بسیار ارزشمند که اشاره‌ای است به قمرالملوک وزیری نخستین بانوی بزرگ موسیقی آوازی ایران که حدود یک قرن گذشته به‌صورت رسمی و حرفه‌ای در عرصه موسیقی فعالیت داشت و نامش در تاریخ موسیقی ایران جادواند است و دیگر ثمر خواننده بزرگ اپرای فرانکفورت و همسر دکتر آریان‌پور. استاد آریان‌پور علاوه بر تألیف این آثار، کتاب با ارزشی با عنوان «فرهنگ دانشگاه آلمانی- فارسی» را نوشته‌اند که هم بسیار خواندنی است، البته درکنار این فعالیت‌ها در زمینه آشنایی دانشجویانش با موسیقی کلاسیک‌تر از اول جهان و گونه ویژه آن که اپرا نام داشت تلاش بسیاری کرد و حتی فراتر از آن را در انجمن فرهنگی ایران و تبریش و رایگان طی سال‌های متعددی برای آشنایی و آگاهی علاقه‌مندان به موسیقی کوشش‌های بسیاری انجام داد . دراین سال‌ها نمونه‌های بسیار بسیار با ارزش و کمبایی از اپراهای معروف جهان را گردآوری کرد و هدفش این بود دانشجویان و مردم را با این نوع عالی موسیقی هم با سخرانی‌های خود که معمولاً پیش از نمایش انجام می‌گرفت و هم با نمایش اپراها آشنا کند. سخن گفتن دراین باره بسیار است و تلاش‌های دکتر امیر اشرف آریان‌پور در جهت ارتقای فرهنگ موسیقایی کشور ستودنی است، طی ۳۰ سال آشنایی و ارتباط نزدیک با ایشان از حضورشان بهره‌های بسیاری برده‌ام و آرزو می‌کنم سال‌های سال سایه‌شان بر سر خانواده خود و خانواده موسیقی پر دوام باشد.



امین‌الله رشیدی خواننده و آهنگساز پیشگسوت موسیقی ایران

دخترش در آن اجرای نقش داشته‌اند و همچنان اشک می‌ریزد و حسرت روزها و اتفاقات خوبی که می‌توانست وجود داشته باشد و حد صدف. لرزش دستاتش را با نگاهداشتن میزی که مقابلش قرار گرفته، کنترل می‌کند و می‌گوید: «غرق شدن در موسیقی عالمی دارد نمی‌دانم چقدر به آن مرحله رسیده‌ایم! اپرا و شنیدن موسیقی تنها دلخوشی این روزهای من است اما از همین‌ها هم جلوگیری می‌کنند. بارها به این دوستان گفتم‌ام بیا باید در منزل من اپرا بیاموزید و اجرا کنید. من مسلط به زبان خارجی هستم و تا آنجا که ممکن است کار ترجمه آن را انجام می‌دهم و در کنار آن از دوستان متخصص دعوت می‌کنم، باید دست به دست هم بدهیم تا دنیایی تازه به روی ما باز شود و همچنان به اجرای این هنر در ایران امیدوار است.» و دراین سال‌ها او بارها و بارها ازعلاقه خود و حفظ این هنر صحبت کرده‌است.

آریان‌پوریکی از دلایل موفقیت اجرای اپراهای پیش از انقلاب را ایجاد یک ارکستر سمفونیک خوب و منسجم عنوان می‌کند که در برهه‌ای از آن زمان، فرهاد مشکات رهبری ارکستر را برعهده داشت، هنرمند توانمندی که توانست جایزه دوم مسابقات جهانی ارکستر در فلورانس (برای رهبران جوان) را دریافت‌کند.

این پژوهشگر در حال حاضر مشغول نوشتن کتابی از شرح حال ارکستر سمفونیک است که در آن به‌اسم تأسیس این ارکستر و فرآز و فرودهای آن اشاره شده است: «ارکستر سمفونیک سال ۱۳۳۵ افتتاح شد و قبل از آن هنرستان موسیقی سنتی بود به ریاست روح‌الله خالقی وسال ۱۳۲۵ پرویز محمود رئیس هنرستان شد که در آن تحصیل می‌کردیم و معاوش روییک گریگوریان بود که دربراهه‌وامقالات بسیاری نوشته‌ام. روییک هنرمندی مردمی بود و موسیقی بومی را به ارکستر وارد کرد و آرام آرام کنسرت‌هایی با کمک ارکستر برگزار شد که بسیار قوق‌العاده بود. منتهی آن زمان اوضاع موسیقی مملکت تعریف چندان‌ی نداشت وتاسال ۱۳۲۵ اغلب نوازنده‌های ارکستر که اکثریت اقلیت بودندمحمول موسیقی هنرستان بودندمی‌گفتند اینجا ایران است باید موسیقی ایرانی اجرا شود اما اینجا ایران بعد با کمک روییک و پرویز محمود موسیقی جهانی روی کار آمد و ارکستر سمفونیک شکل گرفت تا به امروز که فعالیت می‌کند. به عقیده من یک ارکستر برای ادامه فعالیت خود باید آزادی عمل داشته و در کنار آن از نوازنده‌های قابل برخوردار باشد و از رهبر خود حرف شوی کنند اما متأسفانه در کشور ما هنرمندان یکدیگر را قبول ندارند و این اختلاف‌نظرها حاشیه ایجاد می‌کند.»

▪ **امیر اشرف آریان‌پور از مدرسان پژوهشگران شناخته شده کشورمان است و بعد از بازگشت به ایران مدیریت تالار وحدت (رودکی) را برعهده گرفت و چندین سال مدیر این تالار بود.** آخرین کتابی که از او انتشار یافته (موسیقی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران) نام دارد که شرح مهم‌ترین رویدادهای موسیقی از دهه ۲۰ تا آخر سال ۱۳۵۷ است؛ کتابی مستند از اتفاقات آن دوران که خود نویسنده درینطن برخی از این رویدادها حضور داشته و مشاهداتش را به نگارش درآورده است: «پژوهش‌های بسیاری درباره این کتاب انجام داده‌ام و به نکات مهمی اشاره کرده‌ام البته ایراداتی هم بر آن وارد است. ایران کشوری است امروزی و آن‌طور که باید در موسیقی پیشرفته به‌دست نیاوردیم البته بعد از انقلاب در موسیقی بومی پیشرفت‌های بسیار خوبی دیده شد. ما در زمینه موسیقی گنج‌های بسیاری داریم منتهی او در صحبت‌هایش به فضاهای آموزشی اشاره دارد: «هنرمند باید هنر در وجودش بجوشد و زندگی‌ش با هنر باشد، متأسفانه در این سال‌ها برخی از هنرمندان از اخلاق هنری به دور بودند و از همه مهمتر کشور ما نمی‌خواهد نایفه ساز تربیت کند و طبیعی است چون کسی که نایفه هنری باشد به خارج از ایران می‌رود تا علوی‌تر درآمد بیشتر به هنرش ارج نهند و از او تجلیل به عمل آید.» او راهکار ماندگاری آثار موسیقی را رسانه خوب ملی و دیگر فضاهای مجازی عنوان کرد که این روزها همه با آن سروکار دارند.

آریان‌پور سال ۱۳۵۲ دکترای تخصصی خود را در رشته موزیکولوژی (موسیقی شناسی) از دانشگاه گوته وین اتریش اخذ کرد و تحصیلاتش را در رشته تاریخ هنر در دانشگاه فرانکفورت پی گرفت و بر این نظر است دراین سال‌ها موسیقی بومی وارد موسیقی سنتی شده و در کنار سعتی که به‌دست آورده آرام آرام آوازی‌اش در آن دست می‌دهد. او در صحبت‌های خود به پژوهش در موسیقی هم اشاره دارد وضمن تأسف از حضور و استقبال اندک دراین بخش تأکیدش براین است که در این زمینه باید مطالعه بسیار داشت و در کنار آن نیاز است به زبان‌های دیگر هم مسلط بود: «متأسفانه در زندگی روزمره خود تک روزه‌دهیم و تنها زبان به انتقاد می‌کشاییم به همین دلیل است که نوازنده یا بازیگر خوب در کشور ما کم تعداد است. من هیچ گاه نگفتم‌ام کتاب‌هایی که نوشته‌ام بهترین است اگر خوب نیست شماها بهتر نباش یا بیابورید. من ۱۱ کتاب فرهنگ نوشته‌ام اما چند نفر حاضرند نام من را به‌عنوان نویسنده این کتاب‌ها عنوان کنند! چرا باید این نگاه‌ها وجود داشته باشد. ما ایرانی‌ها با هم نمی‌سازیم و حرف یک‌دیگر را قبول نداریم، در نتیجه صحبت‌هایمان بی‌نتیجه است این درحالی است که هنرمندان فکر می‌کنند رمز پیشرفت شان دست خودشان است، متأسفانه از ماست که برماست...»

امیر اشرف آریان‌پور ۹۲ سال سن دارد و آرزویش این است که هیچ آرزویی نداشته باشد. هم‌چنان اشک می‌ریزد و حسرت روزها و اتفاقات خوبی که می‌توانست وجود داشته باشد و حد صدف. لرزش دستاتش را با نگاهداشتن میزی که مقابلش قرار گرفته، کنترل می‌کند و می‌گوید: «غرق شدن در موسیقی عالمی دارد نمی‌دانم چقدر به آن مرحله رسیده‌ایم! اپرا و شنیدن موسیقی تنها دلخوشی این روزهای من است اما از همین‌ها هم جلوگیری می‌کنند. بارها به این دوستان گفتم‌ام بیا باید در منزل من اپرا بیاموزید و اجرا کنید. من مسلط به زبان خارجی هستم و تا آنجا که ممکن است کار ترجمه آن را انجام می‌دهم و در کنار آن از دوستان متخصص دعوت می‌کنم، باید دست به دست هم بدهیم تا دنیایی تازه به روی ما باز شود و همچنان به اجرای این هنر در ایران امیدوار است.» و دراین سال‌ها او بارها و بارها ازعلاقه خود و حفظ این هنر صحبت کرده‌است.



هنر آتایان

امیر اشرف آریان‌پور موسیقیدان، پژوهشگر و نویسنده در گفت‌وگو با «ایران» از پژوهش‌ها و تألیفاتش در حوزه موسیقی می‌گوید

روایت عشق و قلم

ندا سجانی خبرنگار

«مدتی بود دست‌هایم توان نوشتن نداشت و کارهایم پیش نمی‌رفت، حتی نمی‌توانستم امضایی انجام بدهم، اما الحمدلله این روزها حالم کمی بهتر است. البته چند ماه است که از چهار دیواری خانه، خارج نشده‌ام و شرایطی برای بیرون رفتن نیست، می‌دانم این روزهای تلخ تنهایی هم می‌گذرد...» این جملات آغازی بود برای گفت‌وگو با امیر اشرف آریان‌پور، بزرگمردی که حاصل دسترنج ۷۰ ساله‌اش در سطرهای تاریخ فرهنگ و هنر ایران به چشم می‌خورد و توانست نام خود را با قلم پر توانش بر جریده روزگار حک کند. آنچه را که ما حاصل گفتیجه‌های پژوهشی‌اش در عرصه فرهنگ و هنر و بویژه موسیقی است روی کاغذ ثبت می‌کند تا آیندگان بدانند سرگذشت «موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران» چه بوده و روند آموزش موسیقی در ایران (از قاجار تا امروز) « چگونه انجام شده است! فعالیت‌های او در زمینه‌های علمی، هنری و پژوهشی بسیار متنوع است و بیش از ۳۵۰ مقاله علمی پژوهشی و چند کتاب از او منتشر شده است.

نقش مهم بانوان در موسیقی

از آخرین گفت‌وگویم با دکتر آریان‌پور وجود دوسالی می‌گذرد، آن زمان نوبت انتشار کتابی را داد با عنوان «از قمر تا ثمر» که اشاره‌ای است به موسیقی آوازی بانوان از قمرالملوک وزیری تا پری ثمر همسرش. از او زمان انتشار کتاب را خوبا شدم: «از قمر تا ثمر بیانگر سرگذشت موسیقی آوازی ایران از سنتی تا اپرا است اما در حال حاضر انتشار این کتاب متوقف شده، البته بخش قمر به پایان رسیده و حدوداً ۵۰ صفحه است و تلاش‌های بسیاری در تألیف این کتاب داشته‌ام چرا که موضوع مربوط به قمرالملوک وزیری خواننده ۱۰۰ سال قبل است و اطلاعات درستی در دسترس نیست، بنابراین لازم بود در این زمینه تحقیقات بسیاری انجام بگیرد. اما بخش ثمر همچنان ناتمام است، اگرچه این بخش قابل دسترس است و بی‌شک آسان‌تر خواهد بود، در واقع ثمر روایتی است از شرح حال زندگی شخصی‌ام. در این کتاب به روح‌انگیز، شورانگیز و دیگر بانوان موفق موسیقی ایران اشاره شده و لازم می‌دانم به این موضوع به‌صورت جامع و کامل بپردازم به این علت که بانوان نیمه‌دیگری از جامعه موسیقی هستند و در معرفی موسیقی به مردم نقش مهمی داشته‌اند. مانند قمرالملوک وزیری، صدایی که تابوها را شکست و مانند او در ایران بسیار کم یا اصلاً وجود ندارد، قمر، هنرمند برجسته و کم نظیری است، ۱۰۰ سال گذشته در خیابان لاله زار این خواننده بزرگ کنسرت اجرا کرد، البته امروزه خیلی‌ها این کار را انجام می‌دهند و موسیقی‌های بسیاری هم دیده می‌شود. حالا تصور کنید یک قرن قبل، این محدودیت‌ها چه میزان سخت‌تر بود! اما از کار این کتاب باقی‌مانده و بعضی از دوستان براین نظرند که تألیفات هر فردی باید به‌صورت عمومی چاپ شود و برای همگان قابل دسترس باشد البته من هم موافقم به شرط آنکه مطالعه بسیاری روی آن صورت بگیرد و کار به نتیجه درستی برسد و بعد توزیع شود.»

دکتر آریان‌پور چند سالی است به بیماری پارکینسون مبتلا شده و با دستان لرزانش آرام آرام کتابی را که در مقابلش قرار دارد ورق می‌زند، گویا سال‌ها با برگ برگ و سطر به سطر این کتاب‌ها زندگی کرده و تنها مونس و همدم این روزهایش بوده است؛ یا صدایی آرام و کلامی شمرده همچنان از قمرالملوک وزیری تعریف می‌کند: «یک روز با آقای شجریان صحبت از قمر بود و از این کتاب گفتیم که کدام بخش باید و کدام بخش حذف شود. شجریان به‌صورت غیر مستقیم محضر خوانندگان بزرگی چون قمر را درک کرده و تکنیک صدای هر دو عالی بود. البته از آقای کیوان ساکت نوازنده و هنرمند خوبمان هم دراین باره درخواست کمک داشتم.»

▪ **باید به ارزش هنرمندانی چون شجریان ارج نهاد** استاد آریان‌پور علاقه‌مند به موسیقی آوازی است و براین نظر است این نوع موسیقی نسبت به موسیقی سازی پیشرفت بسیار خوبی داشته

متأسفانه در زندگی روزمره خود تک روزه‌ایم و تنها زبان به انتقاد می‌کشاییم به همین دلیل است که نوازنده یا بازیگر خوب در کشور ما کم تعداد است. من هیچ گاه نگفتم‌ام کتاب‌هایی که نوشته‌ام بهترین است اگر خوب نیست شماها بهتر نباش

را بیابورید. چرا باید این نگاه‌ها وجود داشته باشد. ما ایرانی‌ها با هم نمی‌سازیم و حرف یک‌دیگر را قبول نداریم، در نتیجه صحبت‌هایمان بی‌نتیجه است این درحالی است که هنرمندان فکر می‌کنند رمز پیشرفت شان دست خودشان است

هنرمند برای موسیقی ایران زحمات بسیاری کشید و سال‌ها باید زهن و تلاش او سخن گفت.» این موسیقیدان معتقد است اگرچه شجریان بی‌مانند است و جانشینی ندارد اما مکتب آوازی او هرگز از بین نخواهد رفت و فراموش نمی‌شود و ابتدا فرزندش همایون و بعد از آن شاگردان و علاقه‌مندان او، مسیر آوازی شجریان را ادامه خواهند داد، همان‌طور که دراین سال‌ها جوانان بسیاری از سبک او، الگوبرداری کرده‌اند. «من براین باورم در این سال‌ها در حق شجریان کم لطفی بسیاری شده است و ارزش و منزلت هنرمند را ندانستند و ارج ننهاده، مگر چند هنرمند خوب در کشورمان است که یک تعداد را معذور و از کار برکنار کنیم!»

دکتر آریان‌پور آنچنان شیفته اپرا است که هنوز هم هرگاه سخن از این هنر به میان می‌آید خود را در نقش یکی از بازیگران آن می‌بیند: «یکی از دوستانم در وزارت ارشاد کار می‌کند و عاشق هنر اپرا است یک بار از او دعوت کردم به منزل ما بیاید و به تماشای اپرای «مسادم باترفلای یا مادام بوتانو»! شنسیتیم؛ اثر «جاکومو پوچینی» موسیقیدان ایتالیایی، «باترفلای» زنی است که عاشق یک ملوان خوشگذران آمریکایی می‌شود و سال‌ها منتظر وعده بازگشت همسرش از دریای ژاپن است و او برمی‌گردد اما با یک زن دیگر و همسرش (باترفلای) با دیدن این صحنه با جاقو شکم خود را پاره می‌کند... آن دوست بعد از پایان این برنامه به من گفت: شما را دیدم ضمن اجرای اپرا گریه می‌کردید. به او گفتم: «آن کسی که روی صحنه کشته می‌شود، من و همسرش پراشکش و بغض شکسته شده خود ادامه بدهد و نگاهش را به تصویر پوستری می‌اندازد که بر دیوار رویرویش نقش بسته است، عکس درون یک قاب چوبی از اپرایی که همسر و